

اعتبارسنجی مصطلحات حدیث پژوهی خوتیرینبل در ارزیابی احادیث

(مطالعه موردی طرق شیرجه ای)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۸

۱ فاطمه دسترنج
۲ علی رضا طیبی
۳ ماه رخ غلامی

چکیده

«خوتیرینبل»، خاورشناس هلندی، در زمینه اصطلاحات بنیادی روایات اسلامی و تاریخ گذاری احادیث نظرات مهمی را بیان نموده؛ به نحوی که اصطلاح شناسی او محور بررسی های فقه الحدیثی غربیان قرار گرفته است. در این پژوهش، مصطلحات حدیث پژوهی وی با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، تحلیل شد تا به پرسش های زیر پاسخ دهد: عوامل مؤثر در شکل گیری رویکرد ویژه حدیث پژوهی خوتیرینبل چیست؟ اصطلاحات ابداعی وی از چه میزان کارآمدی برخوردار است؟ این نتیجه حاصل شد که عوامل شکل گیری رویکرد حدیثی او، خانواده شرق شناس، سنت های خاورشناسان در مطالعات حدیثی، از جمله روش تاریخ گذاری احادیث و نیز تأثیر برخی خاورشناسان و مسلمانان نواندیش است. ینبل با ابداع برخی اصطلاحات و به مدد ابزار دیداری، به ترسیم شبکه اسناد حدیثی پرداخته و «طرق شیرجه ای» را شاهدی تاریخی برای شناخت خاستگاه حدیث می داند. طبق مفهوم سازی ینبل، این طرق، نمودی از رشد وارونه اسناد و بیان گر جعل حدیث است؛ در حالی که در نظام حاکم بر اعتبارسنجی مسلمانان از اسناد، اگرچه تعدد طرق اطمینان صدور را افزایش می دهد؛ اما مفرد بودن روایت، به تنهایی موجب ضعف حدیث نمی شود. اصطلاح طرق شیرجه ای با اصطلاح «تدلیس» و طرق «متابع و شاهد» در میان مسلمانان ارتباط دارد.

۱. استادیار دانشگاه اراک (نویسنده مسئول) (f - dastranj@araku.ac.ir).

۲. دانشیار دانشگاه اراک (a - tabibi@araku.ac.ir).

۳. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث (mahrokhgholami63@gmail.com).

کلیدواژه‌ها: خوتیرنبیل، طرق شیرجه‌ای، حدیث مدلس، تدلیس، مصطلحات حدیثی، اعتبارسنجی.

۱. مقدمه

تبیین صحت و سقم حدیث، به عنوان دومین منبع دست‌یابی به احکام فقهی، اعتقادات و اخلاق، برای عالمان مسلمان حایز اهمیت است. از این رو، مسلمانان از صدر اسلام تاکنون به حفظ و نقل احادیث همت گماشته‌اند و در این جهت، علم مصطلح الحدیث را وضع و در مقدمه آثار حدیثی و رجالی خود مباحثی درباره ارزیابی حدیث مطرح کردند؛ به طوری که بیشتر اصطلاحات حدیثی در قرن سوم شکل گرفت. به دلیل نقش عظیم حدیث در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی، از اواخر قرن نوزدهم میلادی، خاورشناسان، حدیث را به عنوان منبع اساسی شناخت تاریخ اسلام، به ویژه در سده‌های نخستین، بررسی کردند و گونه‌های مختلفی از اصطلاحات و روش‌هایی خاص را در تحلیل‌های خود به کار گرفتند.

یکی از عرصه‌های درخور توجه غربیان در حدیث پژوهی، مسائل مربوط به زمینه‌های تاریخی پیدایش، تکوین و سازواره درونی و شیوه‌های ارائه احادیث در مجموعه‌های حدیثی مسلمانان است.^۱ در این بین، مسئله اسناد از مسائل مهمی است که معرکه آرای آنان شد و اصلاحات گوناگونی درباره سلسله اسناد وضع کردند. تحولات خاورشناسان و مقتضیات نوپدید دانش حدیث، نیازهایی را به وجود آورده است که پاسخ به آن، طراحی روش‌های جدید حدیث پژوهی را ضروری می‌سازد. افزون بر این، تعداد فراوان آثار حدیث پژوهی خاورشناسان و تأثیرگذاری آن در عرصه جهانی، ضرورت تحلیل و اعتبارسنجی آرای آنان را می‌طلبد؛ زیرا اعتبارسنجی پیمودن فرایندی است که پیامد آن، پذیرش درون‌مایه‌های راه‌یافته به احادیث، به عنوان آموزه‌های دینی یا تردید در پذیرش آن‌ها یا حکم به نادرست بودن یا برساخته بودن آن‌هاست.^۲ بنابراین، آشنایی با دیدگاه‌های خاورشناسان در این موضوع می‌تواند زمینه را برای نقد و پاسخ‌گویی به شبهات آنان بگشاید.

خوتیرنبیل از جمله افرادی است که در خانواده شرق شناس و مسلط به زبان‌های عربی و عبری و سامی رشد و نمو یافته و علاقه وافری به بررسی فرهنگ مسلمانان، از جمله احادیث

۱. «حدیث پژوهی در نگاه‌های مستشرقان»، ص ۲۲۶.

۲. «آسیب‌شناسی رویکرد حدیث پژوهی جریان سلفی‌گری ایرانی با تبیین نظام حاکم بر اعتبارسنجی احادیث شیعه»، ص ۸۰.

داشت. وی در تحلیل سندی و متنی احادیث به وضع اصطلاحاتی متناسب با بوم و فرهنگ خود پرداخته که نقش اساسی در رویکرد حدیثی اش دارد. در این نوشتار، درصدد هستیم ضمن تبیین یکی از مصطلحات حدیثی او، میزان انطباق آن را با اصطلاحات حدیثی مسلمانان بررسی نموده، نقاط ضعف احتمالی را بیان کرده و نکات مفید را به منظور بازمهندسی آن در نظام حدیثی مسلمانان معرفی نماییم. لذا این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش است که عوامل مؤثر در شکل‌گیری رویکرد ویژه حدیث پژوهی خوتیرینبل چیست؟ اصطلاحات ابداعی وی از چه میزان کارآمدی برخوردار است؟ از آنجا که مطالعات حدیثی بر منابع اهل سنت مبتنی است، در عنوان مقاله، قید احادیث اهل سنت آورده شده؛ در حالی که هدف نوشتار حاضر، سنجش میزان صحت و اعتبار اصطلاحات ابداعی ینبل و دست‌یابی به دیدگاه‌های جدید در رابطه با مصطلحات حدیثی و بازمهندسی آن‌ها در مطالعات اسلامی است که می‌تواند بابتی نو در پژوهش‌های حدیثی باشد. به این اعتبار، یعنی وضع اصلاحات حدیثی، تفاوتی بین احادیث شیعه و اهل سنت وجود ندارد؛ همان‌طور که در مصطلحات محدثان اسلامی، اعم از شیعه و اهل سنت، نقاط اشتراک فراوانی وجود دارد.

۲. پیشینه تحقیق

در باره مصطلحات حدیث پژوهی خوتیرینبل، مقاله «پدیده حلقه مشترک و پیوند آن با اصطلاحات حدیثی»^۱ جایگاه ویژه‌ای دارد. این مقاله هرچند ارتباط حلقه مشترک را با برخی اصطلاحات حدیثی مسلمانان تبیین می‌کند، اما سایر اصلاحات ابداعی ینبل را به تفکیک بررسی ننموده و لذا وجه تمایز اثر حاضر، بررسی طرق شیرجه‌ای به صورت مستقل و تبیین میزان صحت و کارآمدی آن در ارزیابی احادیث است. در این زمینه، البته آثاری چون مقاله «پدیده حلقه مشترک در سندهای روایات، تبیین و تحلیل»،^۲ «تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد؛ نقد و بررسی روش‌شناسی خوتیرینبل»^۳ و «تاریخ‌گذاری احادیث بر مبنای روش تحلیل ترکیبی اسناد - متن؛ امکانات و محدودیت»^۴ نیز بسیار سودمند است.

۱. مجله تاریخ تمدن اسلامی، شهریور ۱۳۹۱، ش ۱۵.

۲. مجله مطالعات تاریخ اسلام، زمستان ۱۳۸۹، ش ۷.

۳. فصل‌نامه علوم حدیث، پاییز ۱۳۸۵، ش ۴۱.

۴. مجله صحیفه مبین، ش ۵۰.

۳. مفهوم شناسی اصطلاحات حدیثی

منظور از اصطلاحات حدیثی، واژگانی است که در حوزه‌های گوناگون علوم حدیث یا علوم مرتبط با آن وضع شده است؛ برای نمونه، اصطلاحات ناظر به سند: صحیح، ضعیف، مرسل و...، اصطلاحات ناظر به متن: نص، ظاهر، مؤول و...، اصطلاحات ناظر به کتاب: مسند، مستدرک، صحیح و...، اصطلاحات ناظر به راوی: صحابی، مخضرم، حافظ، مولی و...، اصطلاحات ناظر به فِرَق و مذاهب: کیسانیه، واقفه، فطحیه و...، اصطلاحات ناظر به علم رجال: صدوق، ثقه، لیس بقوی و... همچنین، درباره این اصطلاحات در دانش مصطلح الحدیث بحث می‌شود؛ زیرا مصطلح الحدیث، علم به قواعد و اصولی است که به وسیله آن وضعیت سند و متن حدیث از حیث قبول و رد بررسی می‌شود.^۱ می‌توان گفت مجموع اصطلاحات رایج در میان محدثان - که در علوم حدیث به کار می‌رود - مصطلحات حدیث نامیده می‌شود.^۲ امروزه برخی مصطلح الحدیث را با درایه یکی می‌دانند؛ اما درایه الحدیث همه اصطلاحات متداول میان محدثان را در بر نمی‌گیرد.

۴. مروری بر حیات علمی خوتیرینبل^۳

خوتیرینبل در سال ۱۹۳۵م، در هلند به دنیا آمد. در سال ۱۹۵۶م، به یادگیری زبان عبری و سریانی و سپس عربی پرداخت. ینبل هم‌زمان با تحصیلات دانشگاهی، در تکمیل کتاب معجم الفاظ احادیث نبوی با ونسینک^۴ همکاری کرد و در ضمن این کار، مطالب بسیاری درباره حدیث آموخت. وی در سال‌های ۱۹۶۹م، اولین اثر خود را تحت عنوان وثاقت آثار حدیثی مجادلات در مصر نوین به پایان رساند و مدرک دکتری را از دانشکده ادبیات و هنر دانشگاه لیدن به دست آورد.^۵ پس از اخذ مدرک دکتری، چند سالی را به موضوعات مختلف، از جمله تاریخ صدر اسلام پرداخت؛^۶ اما در سال ۱۹۷۵م، تصمیم گرفت مطالعات خود را بر موضوعی واحد متمرکز کند: احادیث توسط چه کسی، کجا و برای چه

۱. علوم حدیث و اصطلاحات آن، ص ۱۱.

۲. روش فهم حدیث، ص ۱۱۳.

3. Gautier H. Ajuynboll.

4. Arent Jan Vensink.

5. GAUTIER H. A JUYNBOLL'S PERSPECTIVE ON ADĀLAĤ AL - ŞAĤĤABAĤ, 2.

6. The Oriental Manuscripts in the Juynboll Family Library in Leiden, 21.

رواج یافته‌اند؟ این موضوع مقدمه‌ای شد برای تحقیق و نشر مقالاتی که بر جریان مطالعات حدیثی در غرب تأثیر بسزایی داشت.^۱ سنت مسلمان، مطالعات در تاریخ‌شناسی، ارزیابی برخی از اصطلاحات تجسمی در حدیث و مطالعات در مورد خاستگاه و کاربردهای حدیث اسلامی برخی از آثار اوست. دقت در محتوای آثار وی حاکی از کاربست گونه‌های نوینی از رویکردهای حدیث پژوهی است.

۵. خاستگاه فکری و فرهنگی رویکرد حدیثی «ینبل»

بی‌شک، عوامل متعددی در شکل‌گیری رویکرد حدیث پژوهی ینبل دخیل است که شناخت آن‌ها در درک بهتر اصطلاحات ابداعی وی مؤثر است. در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۵-۱. شخصیت‌های مؤثر

در بازشناسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری رویکرد حدیث پژوهی ینبل اولین عامل را می‌توان خانواده شرق‌شناس وی دانست. حداقل شش عضو از خانواده ینبل در مطالعات اسلامی و شرقی تأثیرگذار بوده‌اند.^۲ علاوه بر تأثیر خانواده شرق‌شناس - که به مقتضای فعالیت‌های پژوهشی خود نسخه‌های خطی از احادیث داشتند - موقعیت اجتماعی او نیز تا حدود زیادی چنین اقتضایی داشت. با عنایت به ارتباط و نزدیکی هلند با امپراتوری عثمانی و کشور مراکش، هلندی‌ها تسلط بر زبان‌های شرقی را یکی از نیازهای عصر خود تلقی می‌کردند. لذا هلند از نخستین مراکز است که به تدریس زبان عربی و تهیه فرهنگ لغات عربی پرداخته است.^۳

از سوی دیگر، ینبل در تکمیل معجم الفاظ احادیث نبوی با استاد خود، آرنست جان ونسنک،^۴ خاورشناس هلندی نیز همکاری داشت و در ضمن این کار مطالب بسیاری درباره حدیث آموخت.^۵ مشارکت در نگارش این دائرةالمعارف در انتخاب کتاب مزی به

۱. «حلقه مشترک و پیوند آن با اصطلاحات حدیثی»، ص ۷۷.

2. The Oriental Manuscripts in the Juynboll Family Library in Leiden, 21

۳. مستشرقان و حدیث، ۷۴.

۴. ونسینگ (۱۸۸۲ - ۱۹۳۹م) در سال ۱۹۱۶ تصمیم به نوشتن یک واژه‌نامه فهرست‌بندی شده از روایات با توجه به کلمات و به ترتیب حروف الفبا، برای احادیث ذکر شده در کتب صحاح الستة، مسانید دارمی و احمد بن حنبل و الموطأ مالک کرد. بنابراین، وی از ۳۸ محقق از کشورهای مختلف برای انجام این کار استفاده کرد.

5. GAUTIER H.A JUYNBOLL'S PERSPECTIVE ON ADĀLAH AL - ŞAHĀBAH, 2.

عنوان منبع پژوهش های حدیثی او بی تأثیر نبوده و او از روش استادش تأثیر پذیرفته است.^۱ برخی گفته های ینبل حاکی از ابعاد تأثیرپذیری وی از عالمان مسلمان است.^۲ ینبل تحت تأثیر برخی نواندیشان دینی، نظیر نصر حامد ابوزید بوده که در بعضی اصول و مبانی پذیرفته شده اهل سنت تجدیدنظر کرده است.^۳ همچنین، آشنایی او با آثار برخی عالمان اسلامی، چون مزی، زمینه ساز نگرش ویژه وی به حدیث شده است.^۴ نوع نگاه ینبل به کتاب تحفة الاشراف حاکی از تأثیر زیاد آن و ایجاد انگیزه برای پژوهش در حوزه حدیث است. همچنین، آثار و نظرات عالمانی، چون مصطفی اعظمی و فواد سزگین نیز در چگونگی نگرش به احادیث متأثر بوده است.^۵

ینبل از معدود خاورشناسانی است که در پژوهش های خود انگیزه علمی داشته و همان طور که خود اذعان کرده، نظرات حدیثی وی دائماً در حال تغییر و تکامل بوده است. او در مقدمه کتاب سنت مسلمانان روش خود را بی طرفانه و بدون تعصب و با اتکا به منابع مورد تحقیق خود بیان می کند.

۵ - ۲. نقد تلقی و دیدگاه رایج در مطالعات حدیثی خاورشناسان

شناخت سیر مطالعات حدیثی خاورشناسان، زمینه ساز درک بهتری از رویکرد حدیث پژوهی ینبل است. در این رابطه، تأثیر روش های خاورشناسان در تاریخ گذاری احادیث غیرقابل انکار است. تاریخ گذاری به معنای پیدا کردن تاریخ تقریبی صدور و پیدایش روایات است که از اواخر قرن نوزدهم توسط حدیث پژوهان غربی مطرح گردیده است. مباحثی چون کتابت، تدوین و تبویب حدیث، مکاتب و جریان های حدیثی و زمینه های اجتماعی فرهنگی که به شکل گیری آن ها انجامیده، از جمله مسائلی است که در این حوزه مورد بحث و نظر است.^۶

اگرچه تاریخچه تاریخ گذاری را در میان محدثان مسلمان در بررسی احادیث ناسخ و منسوخ می توان یافت؛ جریانی که با ابن شهاب زهری در سده دوم هجری آغاز شد و با آثار

۱. موسوعة المستشرقین، ص ۴۱۷.

۲. Cambridge University Press, preface.

۳. تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی، ص ۲۱.

۴. Some Isnād - Analytical Methods Illustrated on the Basis of several, 347.

۵. حدیث در نگاه خاورشناسان، ص ۵۸.

۶. خاورشناسان و حدیث امامیه، ص ۳۵.

کسانی چون ابوبکر اثرم و ابن شاهین و ابن جوزی در دوره‌های مختلف ادامه داشته است،^۱ اما تاریخ‌گذاری خاورشناسان ناظر به اعتبار تاریخی حدیث است. در این عرصه، ساخت، خاورشناس آلمانی، متخصص در تاریخ فقه اسلامی پیش‌تاز است.^۲ ینبل نظریه ساخت را درباره به کارگیری اسانید برای تاریخ‌گذاری روایات مبنای پژوهش‌های خویش قرار داده و روشی پیچیده و منحصر به فرد برای حدیث‌پژوهی طراحی نموده و برای تبیین روش ویژه خود به واژه‌پردازی و مصطلح‌سازی پرداخته است.^۳

۶. تحلیل اصطلاحات ابداعی ینبل

از آنجا که اصطلاح‌شناسی، موضوع مهمی در مطالعات فقه الحدیثی است، خاورشناسان از جمله خوتیر ینبل به آن عنایت ویژه داشته است. او علاقه وافری به نمادشناسی فرهنگی، زبان‌شناسی و فقه اللغه داشته و اصطلاحات بسیاری را در حوزه حدیث‌پژوهی با رویکرد تاریخ‌گذاری ابداع و به کار گرفته است.

عمده اصطلاحات ابداعی ینبل، مرتبط با تحلیل اسناد روایات است. در نگاه محدثان مسلمان، اسناد یکی از ارکان حدیث است که وجود آن در طلیعه حدیث و نیز صحت آن در اعتبار بخشی به روایت، اهمیت وافری دارد؛ هر چند در سندپژوهی خاورشناسان، چگونگی شکل‌گیری نظام اسناد، کاربرد و ارزش اسناد در تاریخ‌گذاری متن روایات موضوعیت دارد.

ینبل در مقدمه کتاب دائرة المعارف احادیث رسمی به موضوعاتی، چون ناکارآمدی اصطلاحات حدیثی مسلمانان و تقسیم احادیث به «صحیح»، «حسن» و «ضعیف» و اصطلاحاتی چون «متواتر» و «مشهور» در تحلیل احادیث، ناکامی ناقدان مسلمان در پیوند دادن مفهوم «مدار» یا «نقطه محوری حدیث» با «حلقه مشترک»، «بیهودگی روایات پشتیبان (متابع)» پرداخته است.^۴

ینبل معتقد است در غالب موارد اطلاعات موجود در کتب حدیثی و رجالی دربارهٔ راویان، به خودی خود نمی‌تواند به تحلیلی علمی از دوره زندگی آن راوی و حیات فرهنگی و جایگاه اجتماعی اش مدد رساند. بنابراین، لازم است اطلاعات مندرج در این قبیل آثار، با

۱. مقدمه بر اعلام ابن جوزی، ص ۱۵ - ۱۶؛ تدریب الراوی فی شرح تقریب النووی، ج ۲، ص ۱۷۷.

۲. موسوعة المستشرقین، ص ۳۶۸ - ۳۶۷.

۳. تاریخ‌گذاری حدیث روش‌ها و نمونه‌ها، ص ۴۷۴.

کاربرد روش‌های تحلیلی یا تطبیقی، نخست پردازش و سپس، به اطلاعاتی قابل استفاده تبدیل شوند. بدین منظور او از اصطلاحات ویژه‌ای در این عرصه کمک می‌گیرد. ینبل مبنای نظری این روش را نخست در فصل پنجم کتاب سنت اسلامی مطالعاتی در باب تاریخ‌گذاری و خاستگاه و نگارش حدیث در سده‌های نخست طرح کرده و سپس، عملاً آن را بر روی اسانید تعداد زیادی از روایات پیاده‌سازی کرده است.^۱

از جمله اصطلاحاتی که وی ابداع و به کار گرفته است می‌توان به دسته‌متنی، حلقه مشترک،^۲ حلقه مشترک فرعی،^۳ حلقه مشترک فرعی حقیقی،^۴ حلقه مشترک ظاهری،^۵ گره،^۶ شبکه‌های عنکبوتی^۷ و طرق شیرجه‌ای اشاره کرد که در ادامه به بررسی طرق شیرجه‌ای می‌پردازیم.

۶- ۱. طرق شیرجه‌ای^۸

در نظام اعتبارسنجی احادیث بر پایه دیدگاه ینبل، مهم‌ترین عامل اثرگذار در اعتبار روایات، اسانید آن‌هاست. «طرق شیرجه‌ای» نیز اصطلاحی مبتنی بر مطالعات سندی حدیث است که با حلقه مشترک مرتبط است؛ لذا برای درک بهتر طرق شیرجه‌ای ابتدا باید حلقه مشترک تبیین شود.

در جوامع حدیثی، غالباً برای حدیثی واحد، سندهای متفاوتی یافت می‌شود. حال اگر اسناد یک حدیث از منابع مختلف گردآوری و کنار هم قرار داده شوند، معمولاً الگویی حاصل می‌شود که در آن یک «طریق منفرد»، پیامبر اکرم ﷺ را به راویان نسل سوم یا چهارم پس از ایشان متصل می‌کند و سپس، طرق متعدد حدیث از آن راوی منشعب می‌شوند. ینبل این راوی مشترک که حدیثی را از یک مرجع شنیده و برای تعدادی از شاگردان نقل می‌کند و بیشتر آنان را نیز به نوبه خود برای دو یا چند شاگرد خود روایت می‌کنند، حلقه مشترک نامیده‌اند.^۹

۱. «تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد؛ نقد و بررسی روش شناسی ختیرینیل»، ص ۷۳.

2. Common link.

3. Partial common link.

4. Real common link.

5. Seeming common link.

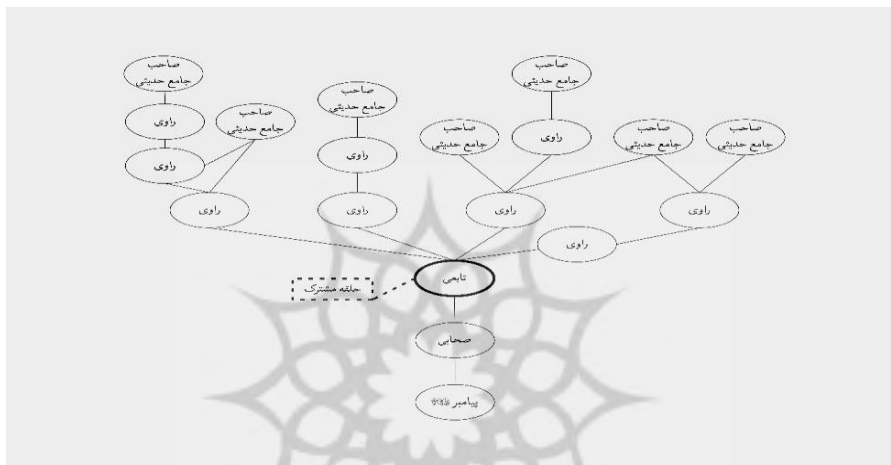
6. Kont.

7. Spider.

8. Diving.

۹. حدیث اسلامی، خاستگاه‌ها و سیر تطور، ص ۴۸.

ینبل معتقد است که ظهور پدیده حلقه مشترک با پیدایش نظام اسناد در ربع آخر سده نخست هجری بوده است. طبق نظریه ینبل، حلقه مشترک در سند روایات، ابزار مفیدی برای دست یابی به تاریخ تقریبی و خاستگاه احتمالی حدیث است.^۱ بنابراین، طریق منفرد از پیامبر تا حلقه مشترک، نشان دهنده فرایند تاریخی نقل حدیث نبوی نیست؛ بلکه طریقی است که حلقه مشترک بر ساخته تا با ایجاد سندی مرفوع به روایت خویش اعتبار بیشتری ببخشد.^۲



نمودار ۱: حلقه مشترک در شبکه اسناد

در نقدهای سندی محدثان مسلمان اصطلاح مدار، معادل اصطلاح حلقه مشترک است و محدثان مسلمان، اصطلاح مدار را برای راوی که محل تلاقی سندهای مختلف یک حدیث است و سند روایات در این مراکز توسعه می یابد، به کار برده اند.^۳ این اصطلاح برای تعیین کیفیت احادیث و مشخص کردن «بخش تعیین کننده» سند، یعنی آن بخش از سند که صحت و سقم حدیث وابسته به وثاقت یا ضعف آن است، به کار رفته است.^۴ صحیح تر آن است که اصطلاح مدار بار معنایی مثبت یا منفی ناظر به احوال راویان ندارد؛ بلکه حاکی از آن است که آن راوی، چهره شاخص در اسناد برای نقد حدیث است.^۵

۱. «نقد و ترجمه مقاله حدیث و قرآن از دائرة المعارف قرآن لایدن»، به نقل از:

(Juynboll, 1983, p 206 - 217).

۲. «تاریخ گذاری احادیث بر مبنای روش تحلیلی اسناد - متن؛ امکانات و محدودیت ها»، ص ۶۰.

۳. «مروری انتقادی بر کتاب دایرة المعارف احادیث رسمی»، ص ۷۳ - ۷۴.

۴. شرح معانی الآثار، ج ۱، ص ۲۲۷؛ التمهید، ج ۷، ص ۹۰.

5. The Common Link and Its Relation to the Mada, 61.

حال که تا حدودی مفهوم حلقه مشترک تبیین شد، درک فرایند طرق شیرجه‌ای در سلسله اسناد بسیار آسان است. این نکته را نباید از نظر دور داشت که اصطلاح طرق شیرجه‌ای بر ساختگی بودن اسناد حدیث، دلالت می‌کند. ینبل دریافته بود که در منابع حدیثی، گاه در کنار سندهای یک حدیث که همگی از یک مدار منشعب می‌شوند، طرق دیگری هم دیده می‌شود. از نظر محدثان مسلمان، وجود چنین طرقی حاکی از آن است که آن فرد مذکور، مدار نبوده و طرق وی نیز منفرد نیست؛ زیرا این‌ها همان طرقی هستند که در اصطلاح سنتی به آن‌ها «متابعات» یا «شواهد» گفته می‌شود؛ اما ینبل این طرق اضافی را طرق «شیرجه‌ای» نامید^۱ و آن‌ها را جعل‌های دوره متأخر دانسته است.^۲

طبق تحلیل ینبل اگر یک راوی، روایتی را از راویان معاصر خود بشنود و بخواهد روایت را نقل کند، در حالی که تمایلی به ذکر راوی هم طبقه خود نداشته باشد، «حلقه مشترک» را دور می‌زند و اسناد خاص خود را ترجیحاً با شیخی که در اسناد راوی معاصرش نباشد، جعل می‌کند. ینبل دورزدن حلقه مشترک را «طرق شیرجه‌ای» می‌نامد. به نظری، «طرق شیرجه‌ای» جعلی‌اند و جامع کتاب حدیثی یا راوی وی، برای این‌که برای خود اعتباری کسب کنند، به این جعل دست زده‌اند؛ به این صورت که راوی متأخر به زیر حلقه مشترک شیرجه می‌زند و خود را به مرجعی کهن‌تر از «حلقه مشترک» می‌رساند. بنابراین، «طرق شیرجه‌ای» ساخته صاحبان جوامع حدیثی یا راویان آن‌هاست و این ادعا مبتنی بر «برهان سکوت» است؛ زیرا در صورت حقیقی بودن اسناد، باید در جوامع حدیثی متقدم یافت می‌شدند. بنابراین، سکوت جوامع حدیثی متقدم بیان‌گر جعلی اینگونه اسناد و شیرجه‌ای بودن آن‌هاست.^۳

ینبل بر مبنای تحلیل‌هایی که بر روی دیگر شبکه‌های اسناد داشته است، با مقایسه دقیق طرق دارای حلقه مشترک و طرق شیرجه‌ای به این نتیجه رسیده که این طرق غالباً متنی پیچیده‌تر و تعلیقات مختصر دارند؛ در حالی که نسخه اصلی روایت - که حلقه مشترک نقل کرده - فاقد آن‌هاست.^۴ لذا، طرق شیرجه‌ای خاستگاه بسیار متأخرتری نسبت

۱. «تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد؛ نقد و بررسی روش‌شناسی خوتیرینبل»، ص ۱۶۰.

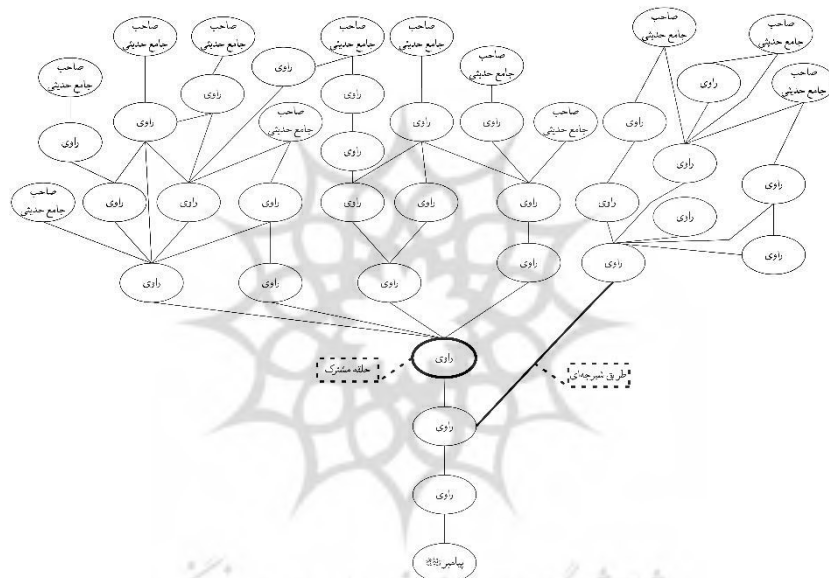
۲. «مروری انتقادی بر کتاب دایرة المعارف احادیث رسمی»، ص ۴.

۳. نقد و ترجمه مقاله حدیث و قرآن از دائرة المعارف قرآن لایدن، به نقل از:

Some Isnād - Analytical Methods Illustrated on the Basis of several, 5, 352 - 353, Women - Demeaning Sayings from Ḥadīth Literature, 154 - 155.

۴. حدیث اسلامی، خاستگاه‌ها و سیر تطور، به نقل از:

به طریقی دارند که به حلقه مشترک ختم می‌شوند.^۱ ینبل با جعلی دانستن «طرق شیرجه‌ای» مفهوم طریق‌های پشتیبان و حدیث متابع، اصطلاح رایج در میان محدثان مسلمان را نیز جعلی می‌شمرد؛ زیرا این طرق نقل مستقل و فاقد حلقه مشترک‌اند، اصالت آن‌ها قابل تأیید نیستند.^۲ هدف ینبل از این گونه تحلیل‌ها، دستیابی به ابزاری جهت تشخیص تاریخ تقریبی و منشأ احتمالی روایت است. او با کاربرست این اصطلاحات در سطحی وسیع، عملاً آن را بر روی اسانید تعداد زیادی از روایات پیاده کرده و لذا مفهوم آن را بسط و گسترش داده است.



نمودار ۱: حلقه مشترک در شبکه اسناد

در رد استدلال ینبل مبنی بر جعلی بودن طرق شیرجه‌ای باید گفت که آنچه شیوخ حدیث در مجالس درس شفاهی خود نقل می‌کردند، منتخبی از روایات بوده که خود شنیده بودند و طبیعی است که محتوای مجالس درسی که در زمان‌های مختلف برگزار می‌شده، یکسان نباشد. بنابراین، همه شاگردان یک شیخ لزوماً روایات یکسانی را از وی نمی‌آموختند. از این

(Some Isnād - Analytical Methods, Illustrated on the Basis of several, 367).

۱. نقد و ترجمه مقاله حدیث و قرآن از دائرة المعارف قرآن لایدن، به نقل از:

(Some Isnād - Analytical Methods, Illustrated on the Basis of several, 389).

۲. نخستین دائرة المعارف اسلامی در سنت حدیث پژوهی غربی، ۶۹.

رو، در برخی موارد مؤلفان کتب حدیثی متقدم، طرق نقل بیشتری را برای یک حدیث خاص پیدا کردند.^۱

از سوی دیگر، اعتبار یک گزارش حدیثی در بالاترین حد خود به شهرت و اعتبار راوی آن بستگی دارد و آن گونه که برخی خاورشناسان بیان کرده‌اند، ممکن است یک صحابی موضوع فقهی را مستقیماً از پیامبر ﷺ نقل قول کند؛ اما بعد از رحلت پیامبر ﷺ، هنگامی که می‌خواهد درباره همان موضوع حکم شرعی بیان کند، سخن پیامبر را نقل به معنا نماید و بدین گونه رأی صحابی یا یک گزارش حدیثی مرفوع ایجاد شود.^۲

آنچه مطرح شد، همگی از وجود تفکر خلاق حکایت می‌کند. اصطلاحات ینبل و ابزار وی، پیشرفت محسوسی در نقد سندی روایات از لحاظ تاریخی به حساب می‌آید. البته، برخی مبانی نظری آن نیازمند تنقیح است؛ کاری که دیگر حدیث پژوهان غربی درصدد اصلاح آن هستند.^۳

در میان انبوه اصطلاحات حدیثی که محدثان در تبیین ویژگی‌های مختلف احادیث و روایان آن‌ها وضع کرده و به مرور زمان تعاریف و کاربردهای دقیق‌تری یافته‌اند، می‌توان مواردی یافت که بر اصطلاحات ابداعی ینبل منطبق شود و یا حتی معادل آن قرار داده شود.

۷. رابطه اصطلاح «طرق شیرجهای» و اصطلاح «تدلیس»

تدلیس، از ریشه «دَلَسَ و دُلَسَ»، در لغت به معنای کتمان کردن و پوشاندن است.^۴ لغویان، تدلیس در بیع یا هرامرد دیگری را «کتمان عیب آن» دانسته‌اند.^۵ تدلیس در اصطلاح حدیث نیز به عمل راوی گفته می‌شود که با آن عیب و ضعف سند روایت پوشانیده شود. بنابراین، هرگاه راوی با ذکر یا حذف کلمات یا نام افرادی در سلسله سند بکوشد که ضعف سند روایت را بپوشاند یا آن را برتر از میزان وثاقت واقعی‌اش نشان دهد، حدیث را اصطلاحاً «مدلس» و عمل او را تدلیس می‌نامند.

عالمان حدیث، تقسیمات چندگانه‌ای برای تدلیس برشمرده‌اند. تدلیس در متن، همان

۱. حدیث در نگاه خاورشناسان، ص ۱۷۹.

۲. «رشد واروونه اسناد، جاناناتان براون»، ص ۴۶.

۳. «تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد؛ نقد و بررسی روش شناسی ختیرینبل»، ص ۱۶۷.

۴. تهذیب اللغة، ج ۱۲، ص ۳۶۲؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۳۸۷.

۵. کتاب العین، ج ۷، ص ۲۲۸.

حدیث مُدرَج است و لذا نمی‌تواند ضمن تدلیس حدیث آورده شود.^۱ حاکم نیشابوری، مدلسان را به شش دسته و خطیب بغدادی و ابن صلاح آنان را به دو دسته «تدلیس اسناد» و «تدلیس شیوخ» تقسیم کرده‌اند.^۲ تدلیس اسناد آن است که راوی از فرد معاصر خود کلامی را به گونه‌ای نقل کند که شنونده یا خواننده گمان کند وی آن کلام را بدون واسطه از خود مروی عنه شنیده؛ در حالی که مستقیم از او نشنیده است.^۳ تدلیس شیوخ، آن است که راوی برای پوشاندن ضعف شیخ خود کنیه، لقب، قبیله، شهر یا صفتی را در باره وی به کار برد که پیش از آن سابقه نداشته باشد.^۴ ترویج حدیث، تحسین حدیث، علو اسناد، پرهیز از روایت کردن از کسی که از خود راوی روایت کرده است، کمی سن مروی عنه و ترس از عدم قبول و انتشار روایت با وجود احتیاج به آن، برخی انگیزه‌های تدلیس شیوخ است.^۵ گرچه برخی، تدلیس شیوخ را به لحاظ اعتبار، نازل تر از تدلیس اسناد دانسته‌اند، با این وجود، در بین اهل سنت، تنها خطیب بغدادی عقیده دارد که به چنین حدیثی نمی‌توان احتجاج کرد.^۶

از شروط تدلیس اسناد، آن است که راوی، مروی عنه را ملاقات کرده یا دست کم معاصر او باشد؛ اما از او روایتی نشنیده باشد.^۷ تأکید بر ملاقات راوی و مروی عنه از آن جهت است که میان تدلیس و ارسال خفی تفاوت وجود دارد؛ به نحوی که اگر راوی از فرد معاصر خود - که او را ندیده - بدون ذکر واسطه روایتی نقل کند، آن روایت مرسل خفی است؛ اما اگر ملاقاتی میان آن دو صورت گرفته باشد، روایت مدلس است.^۸

بر اساس مطالب فوق، می‌توان بیان کرد که اصلاح طرق شیرجه‌ای زیرمجموعه تدلیس و گونه‌ای از انواع آن است. گرچه محدثان مسلمان گونه‌های مختلفی را برای تدلیس احادیث برشمرده‌اند، اما زاویه نگاه آنان متفاوت از خاورشناسان بوده است. اصطلاحات محدثان مسلمان بیشتر ناظر به ابعاد حجیت و اعتبار حدیث است؛ در حالی که ینبل با کاربرد

۱. فتح المغیث شرح الفیة الحدیث، ج ۱، ص ۲۱۶؛ مقباس الهدایه، ج ۱، ص ۴۰۰.

۲. مقدمة ابن صلاح فی علوم الحدیث، ص ۳۵.

۳. الجامع لأخلاق الراوی و آداب السامع، ص ۳۹۵.

۴. مقدمة ابن صلاح فی علوم الحدیث، ص ۴۳.

۵. علوم حدیث و اصطلاحات آن، ص ۱۷۵.

۶. الجامع لأخلاق الراوی و آداب السامع، ص ۴۰۹.

۷. مقباس الهدایه، ج ۱، ص ۳۷۷.

۸. نخبة الفکر فی مصطلح اهل الاثر، ص ۲۰۰.

ابزار دیداری و ترسیم نمودار، ابعاد و چگونگی این تدلیس را به تصویر کشیده است. در تحلیل رویکرد حدیث پژوهی ینیل می توان بیان کرد که او در ارزیابی احادیث، رویکردی «راوی محور» دارد؛ زیرا تبیین جایگاه و اصالت حدیث، تمرکز بر مصطلحات حدیثی و بازخوانی آن ها و نیز توجه به نقش تبعی و استقلال راویان، مؤلفه های اعتبارسنجی راوی محور است. در این رویکرد، نقد و تحلیل روایات از حیث محتوا و ارتباط محتوایی روایت با شخصیت راویان ملحوظ نمی گردد؛ هر چند در نقطه مقابل این رویکرد - که «راوی» در آن، محوریت دارد و ملاک سنجش اعتبار حدیث است - رویکرد مبتنی بر تحلیل و نقد محتوایی روایات نیز وجود دارد که است که از آن به اعتبارسنجی «قرینه محور» یاد می شود. در این رویکرد، توجه به وثاقت و ضعف احادیث و فرایند شکل گیری این مفاهیم، تشکیل منظومه های حدیثی - که محتوای یکدیگر را تأیید و تقویت می کنند - از روش های اعتبارسنجی قرینه محور محسوب می شود. با عنایت به این که رویکرد ینیل راوی محوری است، این مسائل در حدیث پژوهی او و به ویژه در وضع اصطلاحات حدیثی تا حدود زیادی مغفول مانده است.

این غفلت به رهیافت محققان غربی در مواجهه با حدیث برمی گردد. رهیافت محقق غربی «در زمانی» است و سیر تطور حدیث را فرایندی تاریخی می دانند؛ اما نگاه عالمان مسلمان، «هم زمانی» است. آنان با مجموعه ای از روایات مرفوع و موقوف از یک حدیث مواجه اند که به طور هم زمان وجود دارند و با تکیه بر قواعد علم الحدیث، روایت موقوف حدیثی را معتبرتر از روایت مرفوع آن برمی شمارند. لذا معتقد نیستند که حدیث مرفوع بر مبنای روایت موقوف جعل شده است.^۱ بنابراین، رابطه ای بین طرق شیرجه ای، آن گونه که ینیل مفهوم سازی کرده و محدثان مسلمان تحت عنوان تدلیس در حدیث بیان کرده اند، وجود دارد؛ به نحوی که طرق شیرجه ای می تواند تدلیس در اسناد باشد؛ اما لزوماً این چنین نیست؛ زیرا ممکن است که احادیث موقوف و مرفوع حدیث هم زمان وجود داشته باشند و آنچه صحت حدیث را تعیین می کند، وثاقت راوی آن است. مقابله و مقایسه نسخه های مختلف یک روایت با یکدیگر و مراجعه به مصادر مختلف و مهم روایی می تواند در شناسایی و تصحیح آسیب های ناشی از زیاده و نقیصه در احادیث مؤثر واقع شود.

۱. «تاریخ گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد؛ نقد و بررسی روش شناسی خوئینیل»، ص ۱۶۷؛ «قرآن بسندگی و انکار حجیت حدیث؛ بررسی خاستگاه و اندیشه های اهل قرآن / قرآنیون»، ص ۱۸۲.

۸. رابطه اصطلاح طرق شیرجه‌ای و اصطلاح اعتبار، متابع و شاهد

محدثان اهل سنت اصطلاح «متابع»، «شاهد» و «اعتبار» را در مورد حدیث مفرد به کار برده‌اند؛ زیرا موضع محدثان متقدم نسبت به تفرد راوی سخت‌گیرانه بوده و چنانچه در فرآیند بررسی حدیث، طریق دیگری برای آن یافت نمی‌شد، یا مضمون حدیث به واسطه احادیث دیگر تأیید نمی‌شد، آن را «شاذ یا منکر» می‌نامیدند.^۱ از این رو، تتبع و تحقیق در جوامع حدیثی به منظور یافتن طرق دیگری مضمون مشابه برای حدیث «فرد» را «اعتبار» گویند که به منظور خروج حدیث از حالت انفراد است.^۲ بنابراین، «متابع» مشارکت جستن یک راوی در نقل یک روایت از استادی است که راوی دیگری همان روایت را از آن استاد نقل کرده است که خود دارای دو قسم «تام و ناقص» است. اگر متابعت با خود راوی است، «تام» و اگر با شیخ حدیث است، «ناقص» نامیده می‌شود.^۳ حال اگر مضمون حدیث مفردی به طریق دیگر ذکر شده باشد که متن آن در لفظ و معنا با حدیث مفرد، هم‌سان باشد، «شاهد» نام دارد که دارای دو قسم لفظی و معنوی است. اگرچه برخی حدیث شاهد و متابع را هم معنا دانسته، ولی صبحی صالح شاهد را اعم از متابع می‌داند.^۴ حدیث متابع و شاهد، بیشتر از آن جهت که مؤید مضمون حدیث دیگری است، اهمیت دارد.^۵ تلاش‌های حدیثی در این زمینه از آن روست که صحت و اعتبار احادیث محرز گردد.

ابن حبان این اصطلاح را برای سنجش صحت احادیث به کار برده است و ابوداود نیز واژه صحیح را در مفهومی نسبی برای احادیثی به کار برده که برخی از برخی دیگر صحیح‌ترند. او در این باره از اصطلاح «صالح» استفاده کرده که از «حسن» ضعیف‌ترند. «حدیث حسن لذاته» حدیث متصلی است که تنها تفاوت راویان آن با راویان «حدیث صحیح لذاته» کم بودن ضبط آنان است و اگر احادیث آنان به واسطه نقل از طرق دیگر تقویت گردد، به درجه «احادیث صحیح لغیره» ارتقا می‌یابند. «حدیث حسن لغیره» حدیثی است که از راوی ضعیفی که ضعف وی خفیف است، نقل شده و در اصل، حدیث ضعیفی است؛ لیکن به واسطه شواهد و نقل حدیث از طرق بهتری به درجه «حسن لغیره»

۱. «مروری انتقادی بر کتاب دایرة المعارف احادیث رسمی»، ص ۷۱.

۲. تدریب الراوی فی شرح تقریب النووی، ص ۱۵۱؛ علوم حدیث و اصطلاحات آن، ص ۱۸۲.

۳. نخبة الفکر فی مصطلح اهل الاثر، ص ۲۱.

۴. علم الدرایة تطبیقی، ص ۱۱۵ - ۱۱۶.

۵. تدریب الراوی فی شرح تقریب النووی، ص ۱۷۳.

ارتقا یافته است.^۱

ابن حجر عسقلانی بین حدیث «صالح الاحتجاج» و «صالح الاعتبار» فرق می‌گذاشت. «صالح الاحتجاج» معادل با حسن است و «صالح الاعتبار» گرچه فی نفسه ضعیف است، شایسته است جهت تأیید مورد بررسی واقع شود که اگر تأیید شود، آن حدیث «صالح بغیره» می‌شود؛ یعنی به واسطه حدیث دیگر معتبر می‌شود.

از دیدگاه ینبل هرگاه در منابع حدیثی، در کنار سندهای یک حدیث - که همگی از یک «مدار» منشعب می‌شوند - طرق دیگری هم دیده شود، وجود چنین طرقی حاکی از آن است که آن فرد مذکور، مدار نبوده و طریق وی نیز منفرد نیست؛ آن‌ها طرقی هستند که در اصطلاح سنتی به آن‌ها «متابعات» یا «شواهد» گفته می‌شود؛ اما ینبل این طرق اضافی را «طرق شیرجه‌ای» نامیده است.^۲

ینبل برای اثبات مدعای خود، به شرح قاضی عیاض بر صحیح مسلم استناد می‌کند. به گفته وی، مسلم احادیث کتابش را به سه دسته «اصول»، «متابعات» و «شواهد» تقسیم کرده است. در واقع، او در کتاب خود هر موضوع حدیثی را با یک «اصل» آغاز می‌کند؛ یعنی با حدیثی که از معتبرترین سند برخوردار است. پس از «اصل»، وی «متابعات» را می‌آورد که غالباً «تحریرهایی» از همان حدیث با سندهایی است که از نظر او اعتبار کمتری دارند و همواره با دوزدن حلقه مشترک، «اصل» به همان صحابی و تابعی ختم می‌شوند. پس از آن، «شواهد» را می‌آورد؛ یعنی تحریرهایی از حدیث که سندشان، معمولاً و نه لزوماً، همیشه به همان صحابی می‌رسد و باز هم روایان شاخص در طرق اصل و متابعات را دور می‌زند.^۳

باید توجه داشت که متابعات و شواهد عموماً در قیاس با حدیث «اصل» اعتبار کمتری دارند و هدف از ذکر آن‌ها صرفاً تقویت حدیث اصل است. از این رو، ابن صلاح یادآوری می‌کند که بخاری و مسلم برای متابعه و استشهاد، گاه از روایات کسانی که حدیث آن‌ها به تنهایی مورد احتجاج قرار نمی‌گیرد و حتی در زمره ضعفا شمرده می‌شوند، بهره گرفته‌اند.^۴ تفاوت اساسی این دو اصطلاح به تفاوت رهیافت غربی و اسلامی از حدیث باز می‌گردد.

۱. دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، ص ۱۹۵.

۲. نقد و ترجمه مقاله حدیث و قرآن از دائرةالمعارف قرآن لایدن، به نقل از:

(some notes on Islamic's first fugaha distilled from early hadith literature Arabic, 321).

3. (Re) appraisal of some technical terms in hadith science, 316 - 318.

۴. «حلقه مشترک و پیوند آن با اصطلاحات حدیثی»، ص ۷۰.

دغدغه مسلمانان در قبال حدیث همواره مسئله «حجیت» بوده است و برای دانشمندان غربی همواره نه حجیت احادیث، بلکه «اصالت» آن‌ها حایز اهمیت بوده است.

نتایج

۱. خاستگاه و زمینه شکل‌گیری رویکرد حدیث‌پژوهی ینبل را می‌توان در خانواده شرق‌شناس وی، نسخه‌های خطی موروثی، تسلط وی بر زبان‌های سامی و عربی، ارتباط با مسلمانان نواندیش، مانند نصر حامد ابوزید و تأثیرگذاری آرای ونسینک و شاخه در زمینه تاریخ‌گذاری حدیث جست‌وجو کرد.
۲. بررسی اسناد روایات، موضوع مقالات متعددی از ینبل است که از ابزار دیداری و رسم شکل و نیز تحلیل تاریخی در تحلیل احادیث بهره و مبانی حدیثی وی، اصول رایج در میان حدیث‌پژوهان مسلمان نیست. ینبل به جای بهره‌گیری از اصطلاحات متداول در علوم حدیث، اصطلاحات جدیدی را با هدف دست‌یابی به ابزاری برای تشخیص تاریخ تقریبی و منشأ احتمالی روایات وضع می‌کند که متناسب با شیوه پژوهشی اوست.
۳. ینبل از طرق شیرجه‌ای به عنوان مستندی تاریخی برای شناخت خاستگاه حدیث بهره جسته و براساس آن، اصالت و وثاقت تاریخی حدیث را ارزیابی می‌کند؛ در حالی که این اصطلاح در میان مسلمانان، زیرمجموعه تدلیس محسوب می‌شود که یک شاخص مهم در ضعف حدیث است.
۴. تفاوت اساسی در اصطلاحات اسلامی و اصطلاحات ابداعی ینبل به تفاوت رویکرد و نوع نگاه غربی و اسلامی از حدیث بازمی‌گردد. دغدغه اساسی مسلمانان در مواجهه با احادیث، مسئله حجیت و اعتبار است؛ اما در نظر خاورشناسان، اصالت و خاستگاه احادیث اهمیت بیشتری دارد.
۵. طبق مفهوم‌سازی ینبل از طرق شیرجه‌ای، نمودی از رشد وارونه اسناد است که بیان‌گر جعل حدیث است؛ در حالی که در نظام حاکم بر اعتبارسنجی مسلمانان از اسناد، اگرچه تعدد طرق اطمینان صدور را افزایش می‌دهد. اما مفرد بودن روایت به تنهایی موجب ضعف حدیث نمی‌شود و وجود هم‌زمان روایات موقوف و مرفوع از یک حدیث دلیل بر جعل سند نیست، بلکه صحت حدیث را وثاقت راوی تعیین می‌کند.
۶. تبیین جایگاه حدیث و اصالت آن، توجه به نقش محوری راویان، مؤلفه‌های تأثیرگذار در وضع اصطلاحات حدیثی از سوی ینبل است که قرابت بسیاری با برخی روش‌های ارزیابی

حدیث نزد مسلمانان دارد؛ نظیر نقد محتوایی روایات و اثر آن بر ارزیابی روات و نیز تشکیل منظومه های حدیثی که یکدیگر را تأیید و تقویت می کنند و توجه به میراث حدیثی قابل تأییدی که از برخی راویان متهم و تضعیف شده در کتاب های معتبر حدیثی باقی مانده است.

کتابنامه

قرآن کریم

- الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ابن عبدالبراندلسی، بیروت: دالجیل، ۱۴۱۲ق.
- اسعد الغابة فی معرفة الاصحاب، عزالدین بن اثیر، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۱ق.
- اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرايه، جعفر سبحانی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- تاریخ عمومی حدیث بارویکرد تحلیلی، مجید معارف، تهران: انتشارات کویر، چ ۱۷، ۱۳۹۷ش.
- تاریخ عمومی حدیث، مجید معارف، تهران: انتشارات کویر، چ ۱۶، ۱۳۹۶ش.
- تاریخ گذاری حدیث روش ها و نمونه ها، ایگناتس گلدتسیهرو دیگران، به کوشش و ویرایش: سیدعلی آقایی، تهران: حکمت، چ ۱، ۱۳۹۴ش.
- تاریخ گذاری حدیث؛ مطالعات حدیثی به کجا می روند؟ سیدعلی آقایی، تهران: حکمت، چ ۱، ۱۳۹۴ش.
- تاریخ گذاری حدیث؛ نافع مولای ابن عمر و جایگاه او در آثار حدیثی مسلمانان، سیدعلی آقایی، تهران: حکمت، چ ۱، ۱۳۹۴ش.
- تاریخ گذاری حدیث؛ نظام اسناد؛ وثاقت و اعتبار، سیدعلی آقایی، تهران: حکمت، ۱۳۹۴ش.
- تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف، یوسف بن عبدالرحمن المزی، تحقیق: عبدالصمد شرف الدین، المکتب الإسلامی و دارالقیمه، ۱۴۰۳ق.
- تدریب الراوی فی شرح تقریب النووی، جلال الدین سیوطی، تحقیق: احمد عمر هاشم، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۱۷ق.
- التمهید، یوسف بن عبدالبر، به کوشش: مصطفی بن احمد علوی و محمد عبدالکبیر بکری، رباط، ۱۳۸۷ق.
- تهذیب التهذیب، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت: دارصادر، چاپ اول، ۱۳۲۵ق.
- الجامع لأخلاق الراوی و آداب السامع، ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی، به کوشش: محمد عجاج خطیب، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.

- حدیث اسلامی، خاستگاه‌ها و سیر تطور، هارالد موتسکی، به کوشش: و ویرایش مرتضی کریمی نیا، قم: سازمان چاپ و نشر مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۰ ش.
- حدیث در نگاه خاورشناسان، فروغ پارسا، تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۸.
- دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، محمدرضا جدیدی نژاد، قم: سازمان چاپ و نشر مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۱ ش.
- دائرةالمعارف قرآن، جین دمن مک اولیف، ترجمه: حسین خندق آبادی و همکاران، تهران: حکمت، ۱۳۹۳ ش.
- دراسات فی علم الدرايه (تلخیص مقباس الهدایه)، علی اکبر غفاری صفت، محمدحسن صانعی پور، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۴ ش.
- درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، مجید معارف و سعید شفیعی، تهران: سمت، ۱۳۹۴ ش.
- الرعاية فی علم الدرايه، شهید ثانی، اخراج و تعلیق و تحقیق: عبدالحسین محمدعلی بقال، قم: مکتبه آیه الله المرعشی العامه، ۱۴۰۸ ق / ۱۳۶۷ ش.
- الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث الامامیه، محمدباقر حسینی مرعشی، قم: منشورات مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق.
- روش فهم حدیث، عبدالهادی مسعودی، تهران: انتشارات سمت، چ ۱۱، ۱۳۹۶ ش.
- شرح معانی الآثار، احمد طحاوی، به کوشش: نجار و جادالحق، بیروت، بی نا، ۱۴۱۴ ق.
- شناخت حدیث؛ مبانی فهم متن - اصول نقد حدیث، مجید معارف، تهران: نبأ، ۱۳۸۷ ش.
- علم الدرايه تطبیقی، رضا مؤدب، قم: مرکز ترجمه و نشرین المللی المصطفی، ۱۳۹۱ ش.
- علوم حدیث و اصطلاحات آن، صبحی صالح، عادل نادرعلی، تهران: انتشارات اسوه، چ ۱، ۱۳۷۶ ش.
- فتح المغیث شرح الفیه الحدیث، محمد بن عبدالرحمان سخاوی، بیروت: محمد محمد عویضه، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶ م.
- فرهنگ اصطلاحات درایة الحدیث و رجال، محسن قاسم پور و حسین ستار، تهران: هستی نما، ۱۳۸۹.
- کتاب المجروحین، محمد بن حبان، تحقیق: محمود ابراهیم زاید، مکه: دارالباز، ۱۹۷۶ م.

- لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، بیروت: دار صا، ج ۳، ۴۱۴ق.
- المستدرک علی الصحیحین، محمد حاکم نیشابوری، به کوشش: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، بی جا، ۴۱۱ق.
- مستشرقان و حدیث، شادی نفیسی، قم: مرکز آموزش الکترونیکی دانشگاه قرآن و حدیث.
- مستشرقان و حدیث؛ نقد و بررسی دیدگاه‌های گلدزیهر و شاخت، سهیلا شینی میرزا، تهران: هستی نما، چ ۱، ۱۳۸۵ش.
- مقباس الهدایه، عبدالله مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت، ۴۱۱ق.
- مقدمة ابن صلاح فی علوم الحدیث، عثمان بن عبدالرحمن، به کوشش: صلاح عویضه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۴۱۶ق.
- مقدمه بر اعلام ابن جوزی، احمد بن عبدالله عماری، بیروت: دار ابن حزم، ۴۲۳ق.
- موسوعة المستشرقین، عبدالرحمن بدوی، بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر، چ ۴، ۲۰۰۳م.
- نخبة الفکر فی مصطلح اهل الاثر، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، تحقیق: آل أعجوج سبر، بیروت: دار ابن حزم، ۴۲۷ق.
- نهاية الدراية فی شرح الوجیزه، سیدحسن صدر، تحقیق: ماجد الغرباوی، بی جا، المعشر، بی تا.
- نهاية الدراية، سید حسن صدر، بی تا.
- «آسیب شناسی رویکرد حدیث پژوهی جریان سلفی گری ایرانی با تبیین نظام حاکم بر اعتبارسنجی احادیث شیعه»، سید علی رضا حسینی شیرازی و مریم ولایتی، مطالعات قرآن و حدیث سفینه، بهار ۱۳۹۷، ش ۵۸.
- «پدیده حلقه مشترک در سندهای روایات؛ تبیین و تحلیل»، سید علی آقایی، مجله مطالعات تاریخ اسلام، زمستان ۱۳۸۹، ش ۷.
- «تاریخ گذاری احادیث بر مبنای روش تحلیلی اسناد - متن؛ امکانات و محدودیت ها»، سید علی آقایی، مجله صحیفه مبین، ۱۳۹۰، ش ۵۰.
- «تاریخ گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد؛ نقد و بررسی روش شناسی خوئینیل»، سید علی آقایی، علوم حدیث، پاییز ۱۳۸۵، ش ۴۱.

- «حدیث پژوهی در نگاشته‌های مستشرقان»، علی راد، فصلنامه علوم حدیث، زمستان ۸۹، ش ۴.
- «حلقه مشترک و پیوند آن با اصطلاحات حدیثی»، سیدعلی آقایی، تاریخ و تمدن اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ش ۱۵.
- «خاورشناسان و حدیث امامیه»، علی راد، فصلنامه علوم حدیث، زمستان ۱۳۹۴، ش ۷۸.
- «خاورشناسی و حدیث»، سهیلا شینی میرزا، فصلنامه علوم حدیث، ۱۳۸۵، ش ۳۹.
- «رشد وارونه اسناد، جانانان براون»، ترجمه حمید رضا سالار کیا، دوفصلنامه پژوهشی اطلاع رسانی، ۱۳۹۰، ش ۱۲.
- «قرآن بسندگی و انکار حجیت حدیث؛ بررسی خاستگاه و اندیشه‌های اهل قرآن / قرآنیون:»، سیدعلی آقایی، معرفت کلامی، پاییز ۱۳۸۹، ش ۳.
- «مروری انتقادی بر کتاب دائرة المعارف احادیث رسمی»، هارالد موتسکی، سیدعلی آقایی، آینه پژوهش، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۱، ش ۱۳۳.
- «مواجهه محدثان مسلمان با پدیده رشد وارونه سندها»، سیدعلی آقایی، صحیفه مبین، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ش ۴۸.
- «موقف الاستشراق من السنة والسیرة»، اکرم ضیاء العمری، مجله مرکز بحوث السنه و السیره، ش ۸، ۱۴۱۵ق.
- «نخستین دائرة المعارف اسلامی در سنت حدیث پژوهی غربی»، سیدعلی آقایی، کتاب ماه دین، اردیبهشت ۱۳۸۸، ش ۱۳۹.
- «نقد و ترجمه مقاله حدیث و قرآن از دائرة المعارف قرآن لایدن»، سیدحسین علوی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامعه المصطفی العالیه.
- “Early Muslim Dogma: A Source - Critical study”, Michael Cook, Cambridge, Cambridge University Press, 1981, 107 - 116, 202 - 204.
- “GAUTIER H.A JUYNBOLL’S PERSPECTIVE ON ADĀLAH AL - ŞAHĀBAH”, Mahmud Wafī, Ilmu Ushuluddin, Vol.17, No. 1, Januari - Juni 2018.
- “Muslim Tradition, Studies in Chronology, Provenance and Authorship of Early Ḥadīth”, G.H.A.Juynboll, Cambridge, Cambridge University Press. (1983).
- “Nāfi’, the Mawlā of Ibn ‘Umar, and His Position in Muslim Ḥadīth Literature”, G.H.A.Juynboll, Der Islam, (1993).

- “Quo vadis Hadith –Forschung?”, Motzki, Leiden, Brill, 2010.
- “Some Isnād _ Analytical Methods Illustrated on the Basis of several» G.H.A.Juynboll, (1989).
- “studies on the origins and Uses of Islamic Hadith”, G.H.A. juynboll, 1996, THE HADITH IN THE DISCUSSION ON BIRTH _ CONTROL.
- “The Common Link and Its Relation to the Mada”, Ozken, Halit, Islamic Law and Society (2004).
- “The Oriental Manuscripts in the Juynboll Family Library in Leiden”, Jan Just Witkam, Journal of Islamic Manuscripts, 3 (2012) 20 _ 102.
- “the role of Muammararun in the early development of the isnad ,wiener Zeitschrift fur die Kunde des Morgenlandes”, G.H.A.Juynboll, 81, Wien, 1991.
- ”(Re) appraisal of some technical terms in hadith science, G.H.A.Juynboll, Islamic Law and Society, 8:3(2001).
- ”Sunna”, E, Leiden, Brill, G.H.A.Juynboll, 1997, vol.Ix.
- Analysing Muslim Traditions: studies in Legal, Exegetical and Maghazi Hadith, Leiden, Brill, (2010).
- Cambridge University Press, G.H.A.Juynboll, 1983.
- Dating Muslim Traditing: A Survey, Harald Motzki , Arabic. 52:2, 2005.
- Muhammedansch (Halle, Max Niemeyer), Ignaz Goldziher, 1889 _ 90.
- Muslem tradition Cambridge University Press, G.H.A.Juynboll, 1983.
- Muslim’s introduction to his Sahih, bida Jerusalem Studies in Arabic and islam, G.H.A.Juynboll, 5, Jerruslam, 1984.
- some notes on Islamic’s first fugaha distilled from early hadith literature Arabic, G.H.A.Junboll, 39, E.J. Brill, Leiden, 1992.
- studies on the origins and uses of Islamic Hadith, G,H,A,Juynboll, some isnad _ ANALYTICAL METHODS, 1996.
- The origins of Muhammadan Jurisprudence, Joseph Schacht, Oxford 1950 .
- the origins of Muhammadan jurisprudence, Joseph Schacht, Oxford, 1950.
- Women _ Demeaning Sayings from Ḥadīth Literature”, G.H.A.Juynboll , Al - Qanṭara, X, 1994.